

## مروری بر مفهوم تیزهوشی از چشم‌انداز نظریه‌های هوش

زهرا طباطبایی<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

### چکیده

تیزهوشی، اشاره به برتری شناختی، خلاقیت و انگیزه‌های زیاد دارد که کودک را از بیشتر همسالان خود متمایز می‌نماید و او را قادر می‌سازد تا چیزی با ارزش به جامعه عرضه کند. تیزهوشی از ماهیتی فراگیر و تنوع‌پذیر برخوردار است. به طوریکه در تمام فرهنگ‌ها و جنسیت‌ها دیده می‌شود. به طور کلی، دو دیدگاه عمده نسبت به تیزهوشی وجود دارد، یکی از آنها، هوش را وابسته به ژنتیک می‌داند و دیگری، هوش را برآمده از محیط می‌پندارد. این تنوع در نگاه به هوش، باعث شکل‌گیری نظریات متعددی در این حوزه شده است. از جمله این نظریات می‌توان به دیدگاه پنج ضلعی تیزهوشی، نظریه رنزولی، نظریه ابراهام تانباوم، نظریه‌ی سه بخشی استرنبرگ، نظریه فلدوسن، نظریه‌ی هوارد گاردنر، نظریه‌ی گانیه و مدل ACCEL استرنبرگ اشاره نمود. آشنایی با این نظریه‌ها می‌تواند به تشخیص بهتر و آموزش باکیفیت‌تر کودکان تیزهوش بینجامد. لذا، پژوهش حاضر، به تعریف هوش، تیزهوشی و مروری بر نظریات آن پرداخته است.

**واژه‌های کلیدی:** تیزهوشی، نظریه‌های هوش، کودکان سرآمد